

انسان و طبیعت پرداخت؟
آن چه در پیش رو دارید، میزگردیست، مکتوب میان نشریه‌ی دیدار آشنا، کارشناسی توانا در زمینه‌ی امور دینی و آرایش‌گری متخصص با بیست و هفت سال سابقه. نکته‌ی جالب این جاست که طرفین میزگرد هیچ‌گونه اطلاعی از وجود یکدیگر نداشته و در عین حال به مناظره نشسته‌اند. اکنون این شما و این میزگرد حضوری اما غیر حضوری دیدار آشنا.

بزرگی می‌گفت:
واژه‌ها تنها لحظه‌هایی هستند که با گذر زمان نمی‌گذرند و در فرهنگ‌نامه‌ها خاک خورده و بی‌مقدار نمی‌شوند. تا زمانی که آنان را بر زبان بیاوریم، زنده‌اند و چون فاقد معنی شوند، می‌میرند. آیا می‌دانید آراستن و زیبایی هم چون دوشانه‌ی قابل اعتماد دوشادوش همدند و خداوند، اولین کسی بود که به آرایش

زیبایی یعنی آرامش

معصومه اسماعیلی

● دیدار: اکنون سؤال دیگری مطرح می‌شود، ببینید، در تاریخ می‌خوانیم که مثلاً تاریخچه‌ی آرایش به زمان‌های پیش از تاریخ یونان و روم باستان بازمی‌گردد و به سلسله‌های باستانی مصر، مثل سومری‌ها و آشوری‌ها می‌رسد و مثلاً در آن زمان موی بلند در مصر مظهر قدرت و اعیان زدگی بوده و در زمان دیگر مظهر فرهنگی وحشی. آیا می‌توان گفت نحوه‌ی آرایش هر کشوری نمادی از فرهنگ آن کشور است؟

● کارشناس: بله، کوتاه و بلند بودن و نحوه‌ی آرایش مو ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و آداب هر ملت دارد و با دگرگونی آن دگرگون می‌شود، البته این امر نسبی است، یعنی در هر عصری گونه‌ای از آن مطلوب است. اما امروزه همان‌طور که فرمودند، چون ارزش‌ها و فرهنگ ملی شدیداً مورد تهاجم است و همین امر متأسفانه مطلوب پاره‌ای از سیاست‌های داخلی شده، جوانان نه به سوی زیبایی مطلق، بلکه تنها به جلوه‌گری‌های کاذب، آن هم برای جلب نظر جنس مخالف روآورده‌اند و این تمایل روز به روز افزایش می‌یابد.

● دیدار: یک سؤال مهم و کلی هنوز مطرح نشده است و آن این‌که اصلاً چرا جوانان این قدر به آرایش رو آورده‌اند؟ به مدرن و سنتی این هم کاری نداریم؟

● آرایش‌گر: اتفاقاً سؤال کاملاً به‌جایی بود. ببینید، اصلاً حوصله‌ای را که جوان دارد، یک فرد پا به سن گذاشته ندارد و همان‌طور هم که اول بحث اشاره کردید، انسان زیبایی طلب است و این زیبایی‌طلبی به‌خاطر ذوق و شوق و نیروی جوانی در آن دوران به اوج می‌رسد و آرایش چون باعث زیبایی است، به جوان اعتماد به نفس می‌دهد. اعتماد به حضور اجتماعی، روحیه‌اش را شاد و سرزنده می‌کند. شما می‌بینید که مثلاً یک انسان زیبا به خودش می‌بالد و احساس می‌کند آرامشی که باعث زیبایی‌اش شده، بقیه‌ی کمبودهایش را جبران می‌کند. به‌خاطر همین به آرایش رو می‌آورد.

آرایش ظاهر و باطن. پس بستگی دارد به نحوه‌ی نگرش انسان.

● کارشناس: بله به نحوه‌ی نگرش برمی‌گردد، مثل آرایش ظاهر و باطن. ظاهری مثل آرایش مو، لباس، دکوراسیون خانه، پوست و غیره و باطنی مثل آرایش روح. لباس تقوا پر اندام دل، تغییر دکوراسیون فکر و هم‌چنین آرایش روحانی یعنی به زندگی رنگ الهی زدن و آرایش شیطانی، یعنی زندگی را با باب طبع خواهش‌های نفس آراستن.

● دیدار: همان‌طور که فرهنگ‌ها و حتی تمدن‌ها در حال پیشرفت و تغییر و تحولند، نحوه‌های آرایش هم روز به روز تغییر می‌کند. به نظر شما آرایش سنتی با نوع مدرن خود چه تفاوتی دارد؟
● آرایش‌گر: اصلاً قابل مقایسه نیست. مثلاً ببینید بیست سال پیش که چیزهایی مثل سشوار موجود نبود، به‌جای آن از فرکرم گیره‌ای یا بخارهای خانگی استفاده می‌کردند، یا مثلاً بیگودی اصلاً معنی نداشت. از گیره استفاده می‌شد. الان رنگ مو آمده، ولی بیست و پنج سال پیش، چنین چیزهایی نبود و ما همه چیز را از چیزهای طبیعی درست می‌کردیم. الان متأسفانه آرایش مدرن حرف اول را می‌زند.

● دیدار: به نظر شما علت این امر چیست؟ چرا الان جوانان ما اکثراً به آرایش‌های مدرن رو آورده‌اند؟

● آرایش‌گر: دلیلش روشن است. ما داریم تقلید از فرهنگ غرب می‌کنیم. محیط اطراف ما پُر است از نشانه‌ها، مدل‌ها و تبلیغ‌های غربی. رسانه‌ها و ماهواره‌ها هم همین مطلب را تأیید می‌کنند. جوان هم به سمت همان چیزی گرایش پیدا می‌کند که محیطش می‌طلبد.

● دیدار: با توجه به این مطلب که روح انسانی زیبایی طلب است و به دنبال زیبایی حقیقی، گاهی زیبایی‌ها را با هم اشتباه می‌گیرد، به نظر شما آرایش با زیبایی چه ارتباطی دارند؟

● کارشناس: چون هر زیبایی از نوعی آرایش و چشش بدیع برخوردار است و بدون آن زیبایی مفهوم پیدا نمی‌کند، لذا این دو مقوله کاملاً با هم مرتبطند و در زیبایی‌های معنوی هم همین‌طور است. مثلاً با کلمات آشفته و ناموزون قادر به مناجاتی زیبا نخواهیم بود...

● آرایش‌گر: کاملاً با هم مرتبطند. ببینید اصلاً آرایش یک راه برای زیبا شدن است حالا چه آرایش روحی باشد که به زیبایی حقیقی می‌رسد و چه آرایش جسمی باشد که در روح هم اثر دارد.

● دیدار: به نظر شما مظهر زیبایی چیست و اصلاً شما زیبایی را در چه چیزی می‌بینید؟

● کارشناس: سؤال شما دو مرحله داشت، این‌که زیبایی را در چه می‌بینیم، مسلم است که زیبایی واقعی چیزی است که روح ما را با حقیقت مطلق پیوند بزند و ما را با کاروان هستی هماهنگ کند والی‌الله ترجع الامور.^(۱) حالا این‌که مظهر زیبایی چیست، البته باید ببینیم خالق زیبایی‌ها کیست، خداوند مظهر اتم و اکمل زیبایی‌هاست، پس سرچشمه‌ی زیبایی‌ها هم اوست.

● دیدار: همان‌طور که فرمودید، زیبایی دونوع است، زیبایی معنوی و جسمانی، آرایش به نظر شما چند نوع است؟

● آرایش‌گر: بستگی دارد چطور نگاه کنید. مثلاً اگر به گذشت زمان نگاه کنید، دو نوع آرایش داریم، سنتی و مدرن. اگر به وجود خودمان نگاه کنیم،

● دیدار: طبق آمار و ارقام مستند، حدوداً نود درصد از مردم از شکل ظاهری خود راضی نیستند، شما علت این امر را در چه می‌بینید؟

- کارشناس: نارضایتی از شکل ظاهری به سه امر برمی‌گردد. یکی نسبی بودن آرایش و زیبایی، یعنی زیبایی هراندازه متعالی و چشمگیر باشد، باز انسان بالاتر از آن را می‌خواهد، دوم تنوع سلیقه‌ها و سوم مطلق گرایی انسان. همان‌طور که می‌دانید، همه‌ی زیبایی‌ها از جمله زیبایی انسان، پرتو جمال مطلق است. چنان که هر نقطه از پهنه‌ی زمین به هر میزان که با طلوع صبح روشن می‌شود، آینه دار فروغ جمال خورشید است و او نیز خود وام‌دار همان آفتاب بی غروب و مطلق است.

- آرایش‌گر: ببینید این‌ها همه به ایمان باز می‌گردد. وقتی ایمان بالا باشد، انسان زیبایی را درک می‌کند و وقتی ایمان سست شد، جوان‌ها هم گرایش غربی پیدا می‌کنند، فکر می‌کنند با آرایش ظاهر به زیبایی روح می‌رسند و نمی‌دانند آرایش همان چیزی است که در ابتدای خلقت، خداوند بر روی طبیعت و انسان انجام داد. تمام نعمت‌های طبیعت سرسبز، خودش یک نوع آرایش است. وقتی ایمان ضعیف باشد، بشر زیبایی روح را درک نمی‌کند. به‌خاطر همین از زیبایی جنس ایراد می‌گیرد و مرتب طبل نارضایتی می‌کوبد.

● دیدار: این‌طور که شما فرمودید، بین آرایش روح و جسم ارتباط برقرار است. این ارتباط به چه نحو است؟

- آرایش‌گر: به نظر من نسبت مستقیم دارد. روح انسان وقتی شاد شود، جسم انسان هم همین حالت را پیدا می‌کند، چون روح است که جسم را می‌سازد و جسم هم وقتی زیبا شود، نوعی آرایش روحی ایجاد می‌کند. روح و جسم کاملاً با هم در ارتباطند.

- کارشناس: آرایش و زیبایی امری مثبت است و در سیمای طبیعت هم مشهود است و عقل و فطرت سلیم نیز آن را طالب است. بنابراین هرکس و هرچیزی که آراسته نباشد، با قوانین خلقت سازگار نیست، لذا انسان منظره‌ی زیبا، پرنده‌ی زیبا، جسم زیبا و روح زیبا را ستایش می‌کند و از آن‌ها لذت می‌برد و آرامش روانی می‌گیرد. چون در آن‌ها گم شده‌ی خویش را می‌جوید، اما اگر آرایش چهره، جان را بیالاید، خلاف مقصود حاصل می‌شود و معلوم می‌گردد تشنه‌ی آب دل به سراب سپرده است. روح و جسم مثل گل و بوی گل می‌مانند که انسان از دیدن زیبایی گل به بوی گل مشتاق و کشیده می‌شود.

بله، آراستن یعنی زیبایی، یعنی آرامش. مبادا با دستی که در آرایش خلقت می‌بریم، روح را بیالاییم، شاید که دیگر هیچ‌گاه زلال نگردد. دست‌های تان پاک و چشم‌های تان زلال و نورانی باد.

